

کاربرد مدل انسجام انجمنی در سیاست‌گذاری منطقه‌ای شرق آسیا

دکتر عباس مصلی‌نژاد*

چکیده

سیاست‌گذاری منطقه‌ای مفهومی ارتباطی است. در این مدل پیوندهای منطقه‌ای بین دولت‌ها، شرکت‌های چندملیتی و نهادهای اقتصادی شکل می‌گیرد. این بازیگران بدون توجه به مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی نمی‌توانند زمینه همکاری بادوام بین خود را به وجود آورند؛ به عبارت دیگر، منطقه‌گرایی نمی‌تواند بدون تقویت پیوندهای انجمنی میان مردم، گروه‌ها و جوامع پراکنده درون منطقه‌ای پیشرفت مؤثری داشته باشد.

این مقاله بر اساس تجارب منطقه‌گرایی در حوزه آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی تنظیم شده است و طبعاً می‌تواند برای کشورهایی که در حوزه آسیای جنوب غربی قرار دارند؛ نیز مؤثر و کارساز باشد. انسجام انجمنی در آسیای شرقی توانست اولاً «جهان‌شهرهای» متنوعی را به وجود

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (mossalanejad@mossalanejad.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۲۹

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۸۶-۱۵۵.

آورد، ثانیاً زمینه عبور از «همگرایی منفعلانه» به سوی «همگرایی فعالانه» را نیز فراهم سازد. همگرایی فعالانه در فرایندی انجام می‌شود که سیاست‌گذاری منطقه‌ای در روند کاهش و حذف موانعی باشد که مبادلات اقتصادی را در حوزه‌های تجاری و مالی بین کشورها فراهم سازد. از سوی دیگر عامل تقویت عناصر مشترک و همگرا میان شرکا و مجموعه‌هایی است که می‌توانند عامل تقویت مبادله بین بازیگران شوند. این امر از طریق بازارهای منطقه‌ای و تبدیل آن به بازارهای جهانی شکل می‌گیرد.

در این مقاله تلاش می‌شود تا انسجام انجمنی در سیاست‌گذاری منطقه‌ای بر اساس مطالعات بین‌رشته‌ای تبیین شود. در چنین شرایطی می‌توان ترکیبی از «رهیافت‌های سازه‌نگاری» و «منطقه‌گرایی نهادی» را مورد استفاده قرار داد. نشانه‌های انسجام انجمنی را می‌توان در سازمان‌دهی «شهرهای منطقه‌ای» و همچنین «شهرهای جهانی» ملاحظه کرد.

واژه‌های کلیدی: انسجام انجمنی، انسجام همگرایانه، همگرایی منفعلانه، همگرایی فعالانه، انسجام سازمانی، جغرافیای مکانی، سازمان‌های منطقه‌ای، چندجانبه‌گرایی، منطقه‌گرایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

پس از جنگ دوم جهانی، کشورهای پیروز در جنگ به این جمع‌بندی رسیدند که ضرورت سازمان‌دهی سازوکارهای منطقه‌ای برای اجتناب از جنگ، امری اجتناب‌ناپذیر است. نتایج جنگ دوم جهانی برای بسیاری از کشورهای جهان مخاطره‌آمیز بود؛ بنابراین کشورهای فاتح تلاش کردند تا زمینه همبستگی رفتاری و کارکردی کشورها را به وجود آورند. منطقه‌گرایی را می‌توان گزینه‌ای دانست که یکپارچگی ساختاری بین کشورها را افزایش داده و از سوی دیگر انگیزه آنان را برای مشارکت در حوزه منطقه‌ای ارتقا می‌دهد.^(۱)

بر اساس چنین رویکردی شاهد شکل‌گیری سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۴۸ هستیم. نقش سازمانی و نهادی این مجموعه را می‌توان همکاری کشورهای اروپایی در اجرای سیاست‌های اقتصادی و تدوین حاکمیت مشارکتی در حوزه‌های اقتصادی دانست. این نهاد، آغازگر فرایندهای منطقه‌گرایی در اروپا بر اساس مدل همگرایی مرحله‌ای محسوب می‌شود. در سال ۱۹۴۹، شورای اروپا^۱ در راستای تبادل نظر کشورهای اروپایی، همکاری در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، حقوق بشر و ارتقای روند دموکراسی شکل گرفت. دکترین ترومن نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شورای اروپا ایفا کرد. جرج مارشال وزیر امور خارجه آمریکا، بر این اعتقاد بود که دشمن مشترک جدیدی در اوراسیا شکل گرفته که درصدد غلبه بر نظام‌های سیاسی و سنت‌های اقتصادی اروپا - آمریکا است.

به موازات چنین فرایندی، «جامعه ذغال و فولاد اروپا» در سال ۱۹۵۲

سازمان‌دهی شد. هدف این‌جامعه تدوین مقرراتی برای صنایع ذغال‌سنگ و فولاد اروپا بود. معاهده پاریس^۱ که ناظر بر فعالیت نهادهای اقتصادی کشورهای اروپایی بوده، در سال ۱۹۵۲ شکل گرفت و در سازمان‌دهی طرح‌های اقتصادی بازار مشترک اروپا و اتحادیه گمرکی بین کشورهای اروپایی نقش‌آفرین بوده است. به این ترتیب زیرساخت‌های منطقه‌گرایی در اروپا شکل گرفت. این امر برای هماهنگ‌سازی واحدهای اروپایی و همبستگی آنان در برابر اتحاد شوروی ضروری به نظر می‌رسید.^(۲)

روند منطقه‌گرایی اروپایی بعد از شکل‌سازمانی همکاری‌های اقتصادی و توسعه، شورای اروپا و جامعه ذغال و فولاد اروپا تشدید شد. در سال ۱۹۵۴ شاهد شکل‌گیری اتحادیه اروپای غربی بودیم. نقش سازمانی این اتحادیه ماهیتی امنیتی داشته و عامل هم‌تکمیلی اهداف امنیتی اروپا - آمریکا در چهارچوب پیمان آتلانتیک شمالی^۲ بوده است. اتحادیه اروپای غربی توانست زمینه ورود آلمان غربی به ناتو را فراهم کرده و به این ترتیب اروپا از طریق همگرایی منطقه‌ای نقش مؤثری در سنگربندی امنیتی^۳ ایفا کرد.

در سال ۱۹۵۸ جامعه اقتصادی اروپا شکل گرفت. این‌جامعه توانست اتحادیه گمرکی سازمان‌یافته‌ای را به وجود آورده و از سوی دیگر زمینه‌های ایجاد نخستین بازار منطقه‌ای را در میان اعضا ایجاد کند. گفتنی است جامعه اقتصادی اروپا در شرایطی شکل گرفت که معاهده رُم در سال ۱۹۵۷ به وجود آمده و موافقت کشورهای اروپایی درباره حذف تعرفه‌های صنعتی برای مبادله اقتصادی بین کشورهای اروپایی را شکل داده بود. به این ترتیب معاهده رم و جامعه اقتصادی اروپا را می‌توان عامل نهادی - قانونی برای حذف تمامی موانع غیرتعرفه‌ای دانست. در ادامه این روند اتحادیه اروپا در سال ۱۹۶۵ تأسیس شد.^(۳)

تأسیس اتحادیه اروپا نقطه عطفی در روند منطقه‌گرایی اروپایی محسوب می‌شود. اتحادیه اروپا متشکل از نهادها، قوانین و همچنین مجموعه‌هایی بود که بعد

1. Paris Pact
2. North Atlantic Treaty Organization
3. Security Entrenchment

از جنگ دوم جهانی در فضای منطقه‌گرایی شکل گرفتند. در این فرایند شاهد ادغام جامعه ذغال و فولاد اروپا، جامعه اقتصادی اروپا و سازمان اروپایی تحقیقات اتمی هستیم. این امر نشان می‌دهد نخستین شکل منطقه‌گرایی در قالب نهادهای کارکردی در اروپا شکل گرفت. این روند در سال ۱۹۴۸ با تشکیل سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه آغاز شد؛ در سال ۱۹۶۵ با شکل‌گیری اتحادیه اروپا تکمیل گردید و در سال ۱۹۹۲ با انعقاد پیمان ماستریخت به هویت سازمانی و حقوقی جدیدی دست یافت.

فرایندهای منطقه‌گرایی در اروپا بر اساس جلوه‌هایی از انسجام نهادی - کارکردی شکل گرفت. این امر را می‌توان در قالب تئوری‌های همگرایی، ارتباطات و کارکردگرایی مورد وجه قرار داد. از اواسط دهه ۱۹۶۰ که منطقه‌گرایی در اروپا به نتایج سازمانی مؤثری دست یافت، شاهد شکل دیگری از روند منطقه‌گرایی در آسیای جنوب شرقی بودیم. این روند، زمینه همکاری اقتصادی کشورهای را به وجود آورد که در نهایت به انسجام سازمانی دست یافتند. انسجام سازمانی در آسیای شرقی را می‌توان شکلی از «مدیریت همکاری‌های منطقه‌ای» در روند عبور از «دولت ملی» دانست.^(۴)

فرایند یادشده نشان می‌دهد موج اولیه همگرایی اقتصادی در کشورهای اروپایی ایجاد شد. این روند زمینه‌های لازم برای سیاست‌گذاری اقتصادی بر اساس مدل انسجام انجمنی را فراهم آورد. انسجام انجمنی به معنای آن است که نهادها و شرکت‌های چندملیتی فراتر از واحدهای سیاسی توانسته‌اند در روند سیاست‌گذاری اقتصادی ایفای نقش کنند. جدول ذیل نشان می‌دهد که چگونه اتحادیه اروپا بر اساس مدل «انسجام نهادی» سازمان‌دهی شد. آنچه در اروپا در قالب انسجام نهادی تبیین گردیده، در آسیای شرقی به عنوان «انسجام انجمنی» تلقی می‌شود. این فرایند بیانگر آن است که می‌توان از طریق گسترش همکاری‌های فرادولتی به همبستگی‌های سازمانی و هماهنگی اقتصادی دست یافت.

جدول شماره ۱. سیاست‌گذاری اقتصادی در روند شکل‌گیری فرایند انسجام انجمنی در اروپا

ردیف	سال	حادثه تاریخی (سیاست‌گذاری اقتصادی در فرایند شکل‌گیری انسجام انجمنی)
۱	۱۹۴۸	شکل‌گیری سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه
۲	۱۹۴۹	سازمان‌دهی شورای اروپا
۳	۱۹۵۲	سازمان‌دهی جامعه ذغال و فولاد در اروپا
۴	۱۹۵۲	انعقاد معاهده پاریس
۵	۱۹۵۴	سازمان‌دهی اتحادیه اروپای غربی
۶	۱۹۵۷	تنظیم معاهده رُم
۷	۱۹۵۸	سازمان‌دهی جامعه اقتصادی اروپا
۸	۱۹۶۵	شکل‌گیری شورای اروپا
۹	۱۹۹۲	سازمان‌دهی اتحادیه اروپا
۱۰	۱۹۹۳	پیمان ماستریخت
۱۱	۱۹۹۴	سازمان تجارت جهانی
۱۲	۱۹۹۵	منطقه آزاد تجاری اروپا

اتحادیه اروپا را می‌توان نماد اولیه انسجام نهادی دانست. این مجموعه طی سال‌های دهه ۱۹۵۰ به صورت مرحله‌ای رشد کرد. زمانی که جنگ سرد پایان یافت و ساختار دوقطبی با تغییرات بنیادین روبه‌رو شد، زمینه برای هماهنگی مؤثر نهادهای سیاسی و اقتصادی سایر کشورها فراهم شد. شواهد نشان می‌دهد روند گسترش نهادهای اقتصادی در شرق آسیا مربوط به دهه ۱۹۶۰ بوده و از این طریق زمینه برای ایجاد نهادهای دموکراتیک سیاسی و همچنین نهادهای اقتصادی رقابتی به وجود آمد.

کشورهای آسیای شرقی، روند همگرایی منطقه‌ای خود را بر اساس همکاری‌های سازمان‌یافته کشورهای منطقه با شرکت‌های چندملیتی و نهادهای اقتصادی بین‌المللی قرار دادند. آنچه را به عنوان «آسه آن» شکل گرفت می‌توان جلوه دیگر از منطقه‌گرایی در آسیای شرقی دانست. این مجموعه در قالب «انسجام انجمنی»^۱ سازمان‌دهی شده است. به این ترتیب فرضیه مقاله بر این امر تأکید دارد که گسترش همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای شرقی از طریق

سیاست‌گذاری اقتصادی منطقه‌ای شکل گرفته که مبتنی بر مدل انسجام انجمنی است؛ بنابراین در این مقاله، «انسجام انجمنی» به عنوان «متغیر مستقل» تلقی می‌شود، در حالی که «سیاست‌گذاری اقتصادی منطقه‌ای» را می‌توان به عنوان «متغیر وابسته» دانست.

برای تبیین این مقاله از پیوند «رهیافت سازه‌نگاری» با «رهیافت منطقه‌گرایی نهادی» استفاده شده است. مدل منطقه‌گرایی اقتصادی شرق آسیا دارای تفاوت‌های هویتی با روند و نهادهای منطقه‌گرایی در اروپاست. منطقه‌گرایی اروپایی از طریق ابتکارهای دولتی و حمایت‌های بین‌المللی امریکا، سازمان‌دهی شد. در حالی که فرایندهای تحلیلی - توصیفی این مقاله نشان می‌دهد که منطقه‌گرایی شرق آسیا بر اساس مدل انسجام انجمنی سازمان‌دهی شده است.

۱. شاخص‌های انسجام انجمنی در سیاست‌گذاری منطقه‌ای

سیاست‌گذاری اقتصادی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی به تدریج دچار تحول و دگرگونی بنیادین شد. روندهای جدید در سیاست‌گذاری اقتصادی بر اساس تئوری همگرایی تنظیم شده است. در ادامه این فرایند شاهد رشد «منطقه‌گرایی نهادی» در اروپا هستیم. این امر زمینه‌های لازم را برای رشد همکاری‌های چندجانبه کشورهای اروپایی به وجود آورد؛ از سوی دیگر می‌توان شاهد فرایندی بود که بر اساس آن شاخص‌های سازه‌نگاری در روند منطقه‌گرایی جدید مورد توجه قرار گرفت.

این امر از اواسط دهه ۱۹۸۰ به وجود آمد؛ بنابراین فرایند انسجام انجمنی در سیاست‌گذاری منطقه‌ای از دهه ۱۹۹۰ بر اساس مؤلفه‌های ترکیبی انجام پذیرفت و جلوه‌هایی از هنجارگرایی مربوط به رهیافت سازه‌نگاری، با شاخص‌های مربوط به نهادسازی اقتصادی نئولیبرالیسم و منطقه‌گرایی نهادی با یکدیگر پیوند یافتند که نتیجه آن را می‌توان شکل‌گیری منطقه‌گرایی جدید بر اساس مدل انسجام انجمنی دانست. این مدل در فرایند سیاست‌گذاری اقتصادی در شرق آسیا مورد توجه قرار گرفته است.

منطقه‌گرایی در شرایطی شکل می‌گیرد که فرایندهای سیاسی، اجرایی، سازمانی

و ساختاری‌ای برای تحول در ساختار منطقه‌ای به وجود آید؛ به عبارت دیگر سیاست‌گذاری منطقه‌ای به معنای تلاش سازمان‌یافته برای عبور از شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و سازمانی دولت ملی است. در این فرایند هویت جدید شکل می‌گیرد و سازمان‌های نوینی به وجود می‌آیند. در نهایت اینکه زمینه برای ایجاد همبستگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ساختاری متنوع‌تری را فراهم می‌کند. عامل اصلی شکل‌گیری منطقه‌گرایی را می‌توان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای انسجام کشورها در حوزه منطقه‌ای دانست. انسجام، به متحد شدن و یکی شدن کشورها منجر شده و در نهایت اینکه می‌توان هویت جدیدی را به وجود آورد.^(۵)

تجربه کشورهای اروپایی برای سیاست‌گذاری منطقه‌ای بیانگر آن است که این کشورها تلاش کردند تا زمینه‌های انسجام همگرایانه را فراهم آورند. بعد از آن زمینه برای انسجام سازمانی به وجود آمد و در نهایت توانستند ساختار تصمیم‌گیری خود را هماهنگ و مشترک کنند. این روند در آسیای شرقی دارای نشانه‌های کاملاً متفاوتی بوده است. سیاست‌گذاری منطقه‌ای در شرق آسیا معطوف به شکل‌گیری و سازمان‌دهی انسجام امنیتی بوده است. تجربه تغییرات سازمانی، اجتماعی و اقتصادی در شرق آسیا نشان می‌دهد سیاست‌گذاری در این منطقه از طبیعت، تنوع و پیچیدگی بیشتری در مقایسه با اروپا برخوردار بوده است. این امر نشان می‌دهد سیاست‌گذاری منطقه‌ای در آسیای شرقی به موازات جهانی شدن شکل گرفته است؛ بنابراین نیروها و ترتیبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متنوعی در روند منطقه‌گرایی شرق آسیا تأثیرگذار بوده‌اند.^(۶)

انسجام انجمنی زیرساخت تئوریک و عملی ایجاد منطقه‌گرایی در شرق آسیا را فراهم کرده است. انسجام انجمنی با آنچه به عنوان انسجام کارکردی در اروپا شکل گرفت، متفاوت است. منطقه‌گرایی اروپایی دارای سلسله‌مراتب سازمانی، نهادهای کارکردی و پیوندهای معطوف به «هم‌تکمیلی در حوزه منطقه‌ای»^۱ است؛ در حالی که منطقه‌گرایی در شرق آسیا با جلوه‌هایی از شبکه‌ای شدن پیوندهای اجتماعی - اقتصادی، هم‌تکمیلی اقتصاد کشورها با نهادهای اقتصادی بین‌المللی و شکل‌گیری

بازارهای منطقه‌ای و همچنین بازارهای جهانی همراه بوده است. تفاوت‌های منطقه‌گرایی در اروپا و آسیای شرقی ماهیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کارکردی دارد.

نیل به انسجام انجمنی در آسیای شرقی، کاری دشوار و پردغدغه بوده و در فرایندی طولانی شکل گرفته است؛ به عبارت دیگر، می‌توان بر این امر تأکید داشت که انسجام انجمنی زمانی حاصل می‌شود که اولاً نشانه‌های انسجام همگرایانه^۱ در آسیای شرقی به وجود آید. این امر را می‌توان ادامه روند همگرایی و نهادگرایی در اروپا دانست؛ ثانیاً انسجام همگرایانه به انسجام نهادی - سازمانی تبدیل شود، یعنی فرایندهای اجتماعی - اقتصادی که ماهیت هویتی - ارزشی داشته و با شاخص‌های سازه‌انگارانه پیوند می‌یابد، به نهادهای پایدارتری تبدیل شود تا از این طریق بتوان زمینه شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی - اقتصادی در آسیای شرقی را مورد ملاحظه قرار داد.

به عبارت دیگر، انسجام انجمنی زمانی شکل می‌گیرد که بتوان زمینه‌های تبدیل شاخص‌های انسجام همگرایانه و سازمانی به فضای انجمنی - شبکه‌ای را به وجود آورد. با توجه به شاخص‌های ساختاری - کارکردی انسجام انجمنی، فرایند شکل‌گیری و تحقق آن در آسیای شرقی را می‌توان در فرایند ذیل مورد توجه قرار داد:

۱-۱. سازمان‌دهی انسجام همگرایانه در شرق آسیا

انسجام همگرایانه دارای مفهوم و نشانه‌های فنی است. این انسجام منطقه‌ای به سازوکار و تغییراتی می‌پردازد که همبستگی‌های همگرایانه در درون یک منطقه را ارتقا می‌بخشد. در این فرایند، تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌ها را می‌توان اصلی‌ترین کارگزارانی دانست که می‌توانند روند انسجام همگرایانه را شکل دهند. این امر ناشی از شرایطی است که اقتصاد سرمایه‌داری به وجود آورده و هر مجموعه‌ای که در صدد ارتقای موقعیت خود برمی‌آید، نیازمند وقوف بر معادلات، ابزارها و تکنیک‌هایی است که در ذات اقتصاد صنعتی سرمایه‌داری وجود دارد.

در انسجام همگرایانه سیاست‌های ابزارمحور، شیوه‌ها و فرایندهای تولید فنی و تکنیکی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند. به همین دلیل است که در کشورهای شرق آسیا مؤسسه‌های تکنیکی، تولیدی و اقتصادی به عنوان نخستین مراکزی محسوب می‌شدند که توانستند بر ساختار اجتماعی و اقتصادی شرق آسیا تأثیرگذار باشند؛ به عبارت دیگر، این مؤسسه‌ها را می‌توان نماد همبستگی حوزه‌های تکنیکی، تولیدی و اقتصادی در سطح داخلی و منطقه‌ای کشورهای شرق آسیا دانست.^(۳)

از آنجاکه شبکه‌های تولید بین‌المللی به طور قطع ریشه در نواحی مربوط به بخش‌های صنعتی دارند، طبیعی است که انسجام همگرایانه در محیط‌هایی ایجاد می‌شود که پیوندها و ارتباطات شبکه‌ای شده‌ای فنی میان بخش‌های مختلف اقتصادی کشورهایایی که در روند همگرایی منطقه‌ای قرار می‌گیرند، به وجود آید. پیوندها و ارتباطات شبکه‌ای شده‌ای فنی و تکنیکی از طریق ارتباطات فرامنطقه‌ای گسترش می‌یابد. زمانی که شرکت‌های اقتصادی برای تولید کالای خاصی مبادرت به سرمایه‌گذاری در یک کشور می‌نمایند و یا اینکه بازارهای منطقه‌ای را در قالب مناطق آزاد تجاری شکل می‌دهند، بین حوزه‌های مختلف اقتصادی یک کشور پیوند ایجاد شده و از سوی دیگر، زمینه گسترش فضای هماهنگ و همگرا در حوزه منطقه‌ای به وجود می‌آید.

مناطق آزاد اقتصادی در شرق آسیا، ماهیت تولیدمحور دارد؛ در حالی که مناطق آزاد اقتصادی در ایران دارای ماهیت تجاری است. طبعاً اگر در محیط اقتصادی و صنعتی، زمینه‌های تولید کالاهای سرمایه‌داری به وجود آید، در آن شرایط، امکان پیوند مناطق مختلف با یکدیگر بر اساس ضرورت‌های کارکردگرایانه، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این امر ناشی از ذات و ماهیت تولید صنعتی و اقتصادی است.

برای تولید اقتصادی در بازارهای سرمایه‌داری، نیاز گسترده‌ای به توسعه شبکه‌های زیرساختی وجود دارد؛ به این معنا که شرکت‌های مختلفی می‌توانند ابزارهای فنی لازم برای تولید کالای اقتصادی را فراهم آورده و از این طریق، زمینه ایجاد تحرک و تعامل مشهودی بین کارگزاران تولید اقتصادی که تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌ها هستند، به وجود می‌آید. هر یک از آنان، ابزار فنی خاصی را تولید کرده

و از این طریق، زمینه برای ارتقای همبستگی اقتصادی کشورهای منطقه‌ای که در روند انسجام و همگرایی قرار می‌گیرند، به وجود می‌آید.^(۸)

تجربه فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های مختلف تولیدی در کشورهای شرق آسیا نشان می‌دهد آنان از طریق تولید مجموعه کالاهای خدماتی و اقتصادی، زمینه پیوند فناوری، سرمایه، جامعه و تکنوکرات‌ها را در محیط تولیدی فراهم می‌سازند. به همین دلیل است که مناطق آزاد اقتصادی در شرق آسیا به شهرهای منطقه‌ای^۱ و در نهایت به شهرهای جهانی^۲ تبدیل شده‌اند زیرا در این مناطق فرایندهای تولید اقتصادی، زمینه ایجاد بازارهای منطقه‌ای و همچنین بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد.

انسجام همگرایانه زمانی شکل می‌گیرد که: (۱) قواعد اقتصادی بازار آزاد مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد؛ (۲) زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای پذیرش چنین قواعدی وجود داشته باشد؛ (۳) تقسیم بین‌المللی کار در اقتصاد جهانی چنین موضوعی را مورد پذیرش قرار دهد؛ (۴) زمینه برای انتقال فناوری، سرمایه، خدمات و مدیریت برای تولید اقتصادی فراهم شود زیرا بدون چنین شاخص‌هایی امکان همبستگی و انسجام در تولید منطقه‌ای کاهش می‌یابد. به همین دلیل است که تحقق انسجام همگرایانه نیازمند دو گونه همگرایی است. هانا آرنه بر شاخص‌های از جمله همگرایی منفعلانه^۳ و همچنین همگرایی فعالانه^۴ در روند شکل‌گیری بازارهای منطقه‌ای در شرق آسیا تأکید دارد.^(۹)

۱-۱-۱. نشانه‌های همگرایی منفعلانه در منطقه‌گرایی شرق آسیا

شاخص‌های همگرایی منفعلانه را می‌توان در ارتباط با اقدامات و سیاست‌هایی همانند آزادسازی اقتصادی، ضابطه‌زدایی، خصوصی‌سازی، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین آزادسازی قیمت‌ها دانست. این مؤلفه‌ها در قالب نسخه‌های پیشنهادی بانک جهانی^۵ و نیز صندوق بین‌المللی پول^۱ مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به

1. Regional Cities
2. World Cities
3. Pasive Integration
4. Proactive Integration
5. World Bank

عبارت دیگر، می‌توان آنچه را به عنوان اجماع واشنگتن^۲ در ارتباط با آزادسازی اقتصادی مطرح می‌شود، نمادی از همگرایی منفعلانه دانست.

همگرایی منفعلانه بخش لازم اما غیرکافی در روند توسعه اقتصادی و گسترش منطقه‌گرایی تلقی می‌شود. کشورهای شرق آسیا در گام نخست تلاش کردند تا زمینه‌های همکاری منطقه‌ای را از طریق پذیرش ضوابط و قواعد نهادهای بین‌المللی پیگیری کنند. به‌طور کلی، دولت‌های شرق آسیا به این جمع‌بندی رسیده‌اند که توسعه اقتصادی از طریق پذیرش قواعد نهادهای بین‌المللی امکان‌پذیر است. حتی چین نیز از سال ۱۹۷۹ در چنین فرایندی قرار گرفت. اصلاحات دنگ شیائوپینگ در روند آزادسازی اقتصادی را می‌توان بخشی از همگرایی منفعلانه برای رشد منطقه‌گرایی در شرق آسیا دانست.

زمانی که چندین کشور منطقه‌ای مبادرت به پذیرش قواعد و ارزش‌های اقتصادی مشابه کنند، بدیهی است که می‌توانند از طریق همبستگی‌های ساختاری به ارزش‌های اقتصادی مورد نظر دست یابند. این روند را کشورهای همانند کره، سنگاپور، هنگ‌کنگ و تایوان از اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز کردند اما بعدها چنین فرایندی ارتقا یافت؛ به عبارتی می‌توان همبستگی‌های اقتصادی - تکنیکی کشورهای شرق آسیا را اصلی‌ترین عامل توسعه‌گرایی در اقتصاد ملی و منطقه‌گرایی دانست. این امر مبتنی بر پذیرش قواعد ارائه‌شده از سوی نهادهای اقتصادی بین‌المللی است.

همگرایی منفعلانه بیانگر آن است که کشورهای شرق آسیا نخستین گام برای مشارکت و همگرایی اقتصادی را از طریق اقدامات و تصمیمات اقتصادی جدا از یکدیگر اتخاذ می‌کنند. آنان در این ارتباط مبادرت به کاهش یا حذف موانعی می‌کنند که بر سر راه مبادلات اقتصادی کشورها قرار گرفته و مانع از گسترش همکاری‌ها می‌شود. لازم به توضیح است همگرایی منفعلانه (ضابطه‌زدایی و آزادسازی) به تنهایی نمی‌تواند منجر به ایجاد عناصر مشترک، همگرا و یا هماهنگ در سیاست‌های اقتصادی کشورهایی شود که در روند مشارکت اقتصادی در حوزه

1. International Monetary Fund
2. Washington Consensus

منطقه‌ای و یا بین‌المللی فعالیت می‌کنند.^(۱۰)

شکل‌های متفاوت و متنوعی از همگرایی منفعلانه در آسیای شرقی ایجاد شده است. از جمله این موارد می‌توان به تأثیر برنامه افتا^۱ در جنوب شرق آسیا به کاهش اساسی یا حذف کامل تعرفه واردات اشاره داشت. به موازات این امر زمینه برای تنظیم برنامه موسوم به «حوزه سرمایه‌گذاری آ.سه.ان»^۲ اشاره داشت. در این حوزه جغرافیایی، زمینه برای آزادسازی فرایند سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی به وجود آمده است. به‌طورکلی می‌توان هدف از انجام چنین ابتکارهایی را ایجاد فضای منسجم اقتصادی در حوزه جنوب شرق آسیا دانست. این امر از طریق کاهش هزینه‌های تعامل اقتصادی و ایجاد زمینه‌های فراگیر برای گسترش فعالیت‌های مربوط به تولید کالاهای اقتصادی و مبادله آن صورت می‌پذیرد. چنین اقداماتی، زمینه سازمان‌دهی بازار مشترک اقتصادی در شرق آسیا را فراهم کرده است. بازار مشترک اروپا در مقایسه با بازار مشترک آسیایی، تنوع عملیات اقتصادی محدودتری داشته است.^(۱۱)

علاوه بر موارد یادشده که در قالب برنامه‌های عمومی و موافقت‌نامه‌های چندجانبه تنظیم شده، می‌توان طیف متنوعی از قراردادهای دوجانبه در حوزه تجارت خارجی را در روابط کشورهای آسیای شرقی مورد ملاحظه قرار داد. اقتصاد این منطقه به دلیل ابتکارها، قراردادهای و اقداماتی که ماهیت قانونی - نهادی دارد، زمینه تبادل گسترده را فراهم کرده است. ابتکارهای انجام‌شده درباره آزادسازی اقتصادی در حوزه آسیای شرقی را می‌توان اقدامات حقوقی برای ایجاد هویت جدیدی دانست که باید توسط شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی که نقش تولیدی، تجاری و مبادله‌ای دارند، فراهم شود.

۲-۱-۱. نشانه‌های همگرایی فعالانه در منطقه‌گرایی شرق آسیا

فرایندهای معطوف به همگرایی منطقه‌ای در شرق آسیا، زمانی تحقق یافت که به موازات ابتکارات منفعلانه، زمینه برای شکل‌گیری اقداماتی به وجود آمد که منجر به همکاری‌های عملی و اجرایی در راستای برنامه‌های توسعه اقتصادی شد. در

این حوزه روند همگرایی فعالانه آسیای شرقی، محدودتر از فرایندهای مشابه در حوزه اروپا بوده است. علت آن را می‌توان در محدودیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری از طریق شرکت‌های چندملیتی در آسیا دانست. زمانی که اروپا توانست واحد پولی مشترکی به نام «یورو» را مورد استفاده قرار دهد، بسیاری از موانع بر سر راه مبادلات اقتصادی میان منطقه‌ای از بین رفت؛ درحالی‌که کشورهای شرق آسیا هنوز دارای سیستم‌های متنوع مالی و بانکی هستند.^(۱۲)

در کشورهای شرق آسیا شاهد فعالیت شبکه‌های متنوع اقتصادی و صنعتی بوده‌ایم که زیرساخت‌های لازم برای گسترش شبکه‌های دادوستد اقتصادی را به وجود آورده‌اند. کشورهای توسعه‌یافته در شرق آسیا از ژاپن در شمال شرق آسیا به سمت پایین تا سنگاپور در جنوب شرق آسیا متمرکز شده‌اند. طبعاً بخش‌هایی که در خارج از این منطقه قرار گرفته‌اند، دخالت کمتری در پویایی‌های معطوف به همگرایی فعالانه داشته‌اند. منطقه شمال به جنوب (از ژاپن تا سنگاپور) را به عنوان «دهلیز توسعه و گسترش مبادلات اقتصادی» در روند منطقه‌گرایی می‌دانند؛ درحالی‌که کشورهای مغولستان، میانمار، شرق اندونزی و استان‌های مرکزی چین دخالت کمتری در پویایی‌های همگرایی این منطقه دارند. تفاوت توسعه‌یافتگی در بین کشورهای شرق آسیا نه تنها منجر به «شکاف توسعه‌ا» شده، بلکه مانعی در روند همگرایی فعالانه محسوب می‌شود.

لازم به توضیح است که منطقه و دهلیز توسعه در شرق آسیا بیش از نیمی از تجارت و مبادله اقتصاد منطقه‌ای را به انجام می‌رساند. علاوه بر آن در این منطقه جلوه‌هایی از سرمایه‌گذاری بین‌المللی شکل گرفته که منجر به ارتقای بازار تجاری منطقه‌ای به بازار جهانی شده است. شبکه‌های اقتصادی توانسته‌اند بر روند گسترش بازارهای تجاری در شرق آسیا تأثیر به جا گذاشته و آنان را به اقتصاد جهانی پیوند دهند. فرایند جهانی شدن و ارتباطات، عامل سرعت‌دهنده در توسعه منطقه‌گرایی شرق آسیا محسوب می‌شود.

۱-۲. نقش انسجام سازمانی در فرایند همگرایی اقتصادی شرق آسیا

کشورهای شرق آسیا در روند توسعه اقتصادی و گسترش بازارهای منطقه‌ای نیازمند شکل دیگری از همبستگی به نام انسجام سازمانی هستند. مشخصه اصلی انسجام سازمانی را می‌توان در چهارچوب اقداماتی دانست که توسط نظام‌های حکومتی مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، دولت‌ها را می‌توان مهم‌ترین عنصر و نیروی سیاسی در شکل‌گیری انسجام سازمانی دانست؛ در حالی که شرکت‌های داخلی، منطقه‌ای و چندملیتی، به عنوان کارگزاران و نیروهای اجرایی در روند مشارکت و انسجام منطقه‌ای ایفای نقش می‌کنند.^(۱۳)

نمادهای اصلی انسجام سازمانی در حوزه شرق آسیا را می‌توان در قالب سازمان‌هایی همانند آ.سه.آن، اپک، اجلاس شرق آسیا، بانک توسعه آسیا و سایر ساخت‌های^۱ دولت‌محور دانست؛ به‌طورکلی، انسجام سازمانی بر اساس ابتکارهای دولتی انجام می‌گیرد. اگر اراده حکومت‌ها ایجاد نشود و یا اینکه چنین اراده‌ای به حمایت عمومی دولت‌ها از سیاست‌های توسعه و گسترش همگرایی منطقه‌ای منجر نشود، در آن شرایط، هیچ‌گونه مطلوبیتی در روند همگرایی منطقه‌ای ایجاد نخواهد شد.^(۱۴)

جدول ذیل مربوط به سیاست‌گذاری اقتصادی در روند شکل‌گیری فرایند انسجام انجمنی در آسیای شرقی است. این جدول نشان می‌دهد چگونه کلان‌شهرهای شرق آسیا شکل گرفتند. در این جدول شاخص‌های مربوط به توسعه اقتصادی تدریجی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد؛ از سوی دیگر، مشاهده می‌شود که جلوه‌هایی از همکاری‌های دولتی به همکاری‌های فرادولتی تبدیل شده و سطح تعامل اقتصادی کشورها را از حوزه دولتی به حوزه فرادولتی و از عرصه منطقه‌ای به فضای فرامنطقه‌ای ارتقا داده است.

جدول شماره ۲. سیاست‌گذاری اقتصادی در روند شکل‌گیری فرایند انسجام انجمنی در آسیای شرقی

ردیف	سال	حادثه تاریخی (سیاست‌گذاری اقتصادی در فرایند شکل‌گیری انسجام انجمنی)
۱	۱۹۶۷	سازمان‌دهی آ.سه.آن
۲	۱۹۹۴	طرح فرورمطقه‌ای مکونگ بزرگ
۳	۱۹۹۵	سازمان‌دهی حوزه همکاری‌های اقتصادی آسیا - پاسیفیک (APEC)
۴	۱۹۹۶	موافقت‌نامه تجارت آزاد آ.سه.آن - چین
۵	۱۹۹۷	بانک توسعه آسیا (ADB)
۶	۱۹۹۸	سازمان تبادل نظر برای همکاری‌های اقتصادی آسیا (ACD)
۷	۱۹۹۹	آ.سه.آن + ۳ (چین، ژاپن، کره جنوبی)
۸	۲۰۰۰	سازمان‌دهی اجلاس سران کشورهای آسیا - اروپا (ASEM)
۱۹	۲۰۰۱	گردهمایی کشورهای شرق آسیا - امریکای لاتین (EALAF)
۱۰	۲۰۰۲	سازمان‌دهی شبکه کلان‌شهرهای شرق آسیا (EANMC)
۱۱	۲۰۰۳	شبکه رودخانه‌های جنوب شرق آسیا (EANR)
۱۲	۲۰۰۴	شورای دادوستد شرق آسیا (EAEC)
۱۳	۲۰۰۵	گروه آسیایی بلاجیو (ABG)

جدول یادشده نشان می‌دهد فرایند شکل‌گیری و سازمان‌دهی انسجام انجمنی از طریق سیاست‌گذاری اقتصادی^۱ دولت‌ها حاصل می‌شود. این فرایند به موازات تحرک و کنش نهادهای اقتصادی و اجتماعی غیردولتی می‌تواند شبکه سازمان‌یافته‌ای را برای توزیع کالا، سرمایه و مدیریت تولید در منطقه شرق آسیا به وجود آورد. در این ارتباط می‌توان تأکید داشت که فعالیت بسیاری از انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی، فعالیت خود را در چهارچوب تصمیمات و سیاست‌های اتخاذشده از سوی مجموعه‌های حکومتی به اجرا می‌رسانند.

سازمان‌های منطقه‌ای غیردولتی را که در روند همگرایی شرق آسیا ایفای نقش نموده و فرایندهای پایداری را تولید کرده‌اند، می‌توان در قالب انجمن‌هایی همانند شبکه کلان‌شهرهای شرق آسیا^۲، شبکه رودخانه‌های جنوب شرق آسیا^۳، دیده‌بان رودخانه‌های شرق و جنوب شرق آسیا^۴، شورای دادوستد شرق آسیا^۱ و گروه

1. Economic Policy
2. East Asian Network of Major Cities
3. East Asia Network Rivers
4. River Watch East & South East Asia

آسیایی بلاجیو^۲ مورد ملاحظه قرار داد. هریک از این سازمان‌ها و نهادها که ماهیت غیردولتی دارند، به عنوان بخشی از فرایند انسجام سازمانی محسوب شده و نقش تکمیلی سیاست‌های عمومی دولت را ایفا می‌کنند.^(۱۵)

تمامی مجموعه‌های دولتی و خصوصی یادشده را می‌توان بخشی از فرایند منطقه‌گرایی در شرق آسیا دانست. نهادهای اقتصادی و سازمان‌های تخصصی با اراده حکومتی پیوند یافته و زمینه تحقق فرایندی را به وجود آورده‌اند که معطوف به گسترش موج‌های همگرایانه در حوزه اقتصادی، سازمانی و تکنیکی در شرق آسیاست. این نیروها تحت تأثیر موج‌های جهانی شدن سرمایه، کالا و مبادله تجاری از اعتبار و کارآمدی سازمانی برخوردار شده‌اند.

۲. نشانه‌ها و فرایند سیاست‌گذاری منطقه‌ای شرق آسیا بر اساس مدل

انسجام انجمنی

برخی از تحلیل‌گران اعتقاد دارند روند منطقه‌گرایی در شرق آسیا مربوط به دورانی است که نیروهای تأثیرگذار و پویا در روند جهانی شدن نقش آفرین بوده‌اند. در این فرایند، زمینه برای افزایش تحرک و نقش آفرینی نیروهای مختلف فراهم شده است. موج‌های جهانی شدن توانسته شبکه‌های تولید و توزیع منطقه‌ای را فراهم آورد که در پیوند با شبکه‌های تولید جهانی بوده‌اند. این شبکه‌ها منجر به گسترش انسجام همگرایانه بین بازیگران مختلف شده است. در این ارتباط، «آ.سه.آن» توانسته به عنوان «مجموعه‌ای فرومنطقه‌ای» در جنوب شرق آسیا، انسجام سازمانی را از طریق سازمان‌دهی نهادهایی همانند «آ.سه.آن + ۳» و «اجلاسیه شرق آسیا» فراهم سازد.^(۱۶)

این امر نشان می‌دهد منطقه‌گرایی اولاً ماهیت چندبعدی دارد؛ ثانیاً لازم است با مؤلفه‌هایی همانند جغرافیای مکانی، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای اجتماعی تعریف شود. ثالثاً رابطه بین آنان به گونه مشخص و تعریف‌شده‌ای ارائه شود؛ به عبارت دیگر بر اساس تعامل حوزه‌های جغرافیایی و موضوعی، چهار منطقه در شرق آسیا قابل ملاحظه است. هریک از این مناطق در روند منطقه‌گرایی شرق آسیا،

نقش ویژه‌ای را ایفا کرده است. در عین حال می‌توان به این جمع‌بندی رسید که نوع در حوزه آسیای شرقی توانسته نقش هم‌تکمیلی مناطق فرعی را ارتقا دهد. سیاست‌گذاری منطقه‌ای در هریک از این حوزه‌ها به شرح ذیل است:

۱-۲. نشانه‌های سیاست‌گذاری انجمنی در فضای فرومنتقه‌گرایی

فرومنتقه‌گرایی در هر حوزه جغرافیایی نظیر شرق آسیا در قالب مجموعه‌های گسترده‌تری همانند ساخت‌های کلان منطقه‌ای^۱ شکل می‌گیرد. در آسیای شرقی، حوزه‌های فرومنتقه‌ای متنوعی وجود دارد. از جمله می‌توان به کشورهایی اشاره داشت که در منطقه «مثلث رشد در دریای جنوب چین»^۲ قرار دارند. ساختار و حوزه فرومنتقه‌ای دیگری نیز وجود دارد که مربوط به حوزه جغرافیایی است که در آن «طرح فرومنتقه‌ای مکونگ بزرگ»^۳ شکل گرفته است. در این منطقه شاهد سازمان‌دهی فرایندهای همکاری جویانه اقتصادی با عنوان «موافقت‌نامه تجارت آزاد آ.سه.آن - چین»^۴ هستیم. برخی بر این اعتقادند که چنین حوزه جغرافیایی که در فرایند همکاری‌های متقابل و انسجام‌گرا قرار گرفته، در قالب «حوزه شبه‌منطقه‌ای»^۵ تعریف می‌شود. این حوزه‌های جغرافیایی می‌توانند مجموعه‌های سازمان یافته مختلفی را با یکدیگر پیوند دهند.

تجربه حاصل از فرومنتقه‌گرایی در حوزه آسیای شرقی نشان می‌دهد اگر بتوان چندین «حوزه میکرومنطقه‌ای»^۶ به وجود آورد، به گونه‌ای که هر حوزه برخی از ویژگی‌های منطقه‌گرایی را در درون خود داشته باشد، زمینه برای ظهور «شبه‌منطقه» به وجود آمده و از ترکیب چندین شبه‌منطقه و میکرومنطقه، زمینه برای سازمان‌دهی مجموعه‌های فرومنتقه‌ای حاصل می‌شود؛ به این ترتیب اگر شرق آسیا را حوزه منطقه‌ای تفکیک‌شده‌ای بنامیم، در آن شرایط، نهادهای اقتصادی همانند «آ.سه.آن» و همچنین «مکونگ بزرگ» را باید میکرومنطقه یا شبه‌منطقه دانست.^(۱۷)

1. Macro Regional Structure
2. Growth Triangle for South China sea
3. Greater Mekong sub-region
4. ASEAN-China Free Trade Agreement
5. Quasi Regional Area
6. Micro Regional Area

۲-۲. نشانه‌های سیاست‌گذاری انجمنی در فضای کلان منطقه‌ای

به همان گونه‌ای که حوزه فرومنطقه‌ای و میکرومنطقه‌ای وجود دارد و این حوزه‌ها می‌توانند نقش مؤثری را در توسعه اقتصاد منطقه‌ای به وجود آورند؛ حوزه‌های جغرافیایی - اقتصادی دیگری وجود دارد که موسوم به «کلان منطقه»^۱ هستند. به‌طور کلی کلان منطقه‌ها در پیوند با اجزای منطقه‌ای شناخته‌شده نظام جهانی قرار گرفته و در برخی اوقات از آنها با عنوان «منطقه‌های جهانی»^۲ یاد می‌شود. به‌طور مثال حوزه جنوب شرقی آسیا و آ.سه.آن به دلایل خاص خود توانسته‌اند یک کلان منطقه را شکل دهند؛ همان گونه که «حوزه همکاری‌های اقتصادی آسیا - پاسیفیک» می‌تواند نشانه‌هایی از کلان منطقه را شکل دهد.^(۱۸)

از سوی دیگر می‌توان بر این امر تأکید داشت که کلان منطقه‌ها ممکن است در قالب جغرافیای مکانی فروقاره‌ای قرار گیرند. به‌طور مثال در سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا - پاسیفیک بخشی از حوزه شرق آسیا با مجموعه‌های اقتصادی حوزه پاسیفیک یعنی ایالات متحده مشارکت دارد. این الگوی روابط اقتصادی بین سایر کشورهای منطقه‌ای نیز قابل مطالعه است. به‌طور کلی کلان منطقه، پیوندی از چندین حوزه فرومنطقه‌ای و یا منطقه‌ای در فرایند همکاری‌های اقتصادی محسوب می‌شود.^(۱۹)

۲-۳. نشانه‌های سیاست‌گذاری انجمنی در فضای فرامنطقه‌گرایی

مشابهت‌های زیادی به لحاظ ساختار جغرافیایی و اقتصادی بین مجموعه‌های فرامنطقه‌ای یا کلان منطقه‌ای وجود دارد. ترتیبات فرامنطقه‌ای به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توانند در قالب جغرافیای اقتصادی یک قاره ایفای نقش کنند. در این ارتباط مجموعه‌هایی همانند بانک توسعه آسیا^۳ و همچنین سازمان تبادل نظر برای همکاری‌های آسیا^۴ به دلیل مشارکت در سطح فرامنطقه‌ای، از نهادهای فرامنطقه‌گرا به حساب می‌آیند.

-
1. Macro Region
 2. Global Regions
 3. Asian Development Bank (ADB)
 4. Asian Cooperational Dialogue (ACD)

فرامنطقه‌گرایی در عصر جهانی‌شدن از اهمیت، مطلوبیت و کارکرد ویژه‌ای برخوردار شده است. عده‌ای بر این اعتقادند که می‌توان از طریق فرامنطقه‌گرایی به روندهای معطوف به منطقه‌گرایی سیاسی و اقتصادی دست یافت. حوزه‌های فرامنطقه‌ای می‌توانند چند فضای جغرافیایی را با یکدیگر پیوند داده و از این طریق سطح گسترده‌تری از همکاری‌های سازمان‌یافته را ایجاد کنند.^(۲۰)

سیاست‌گذاری فرامنطقه‌ای نقش پیونددهنده نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سازمانی را در چندین حوزه جغرافیایی عهده‌دار است. به طور کلی فرامنطقه‌گرایی در حوزه‌های بانکی همانند بانک توسعه آسیا و یا در حوزه‌های تجاری همانند سازمان تبادل نظر برای همکاری‌های آسیا شکل گرفته است. در چنین وضعیتی ترتیبات فرامنطقه‌ای ایجاد شده می‌تواند کشورهایی را که در حوزه آسیای مرکزی، خاورمیانه، شرق آسیا و جنوب شرقی آسیا قرار دارند به لحاظ مبادلات اقتصادی (تجاری و مالی) با یکدیگر هماهنگ سازد.

۲-۴. نشانه‌های سیاست‌گذاری انجمنی در فضای بینامنطقه‌ای

سازمان‌دهی ساخت‌ها و نهادهای «بینامنطقه‌ای»^۱ را می‌توان انعکاس فرایند جهانی‌شدن دانست. موج‌های گسترش اقتصاد جهانی از دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد. این امر زمینه‌های همکاری منطقه‌ای بین کشورهایی را که می‌توانند اقتصاد هم‌تکمیل داشته باشند، ایجاد کرد. به طور کلی، فرایند بینامنطقه‌گرایی نیازمند آن است که سازمان‌ها، موافقت‌نامه‌ها و نظام‌هایی به وجود آید که همکاری آنان با یکدیگر منجر به تقویت بازار منطقه‌ای شود. در شرایطی که «بازار منطقه‌ای»^۲ از پویایی، توانایی و پتانسیل بالایی برخوردار باشد، امکان تقویت و پیوند آن با سایر مجموعه‌های منطقه‌ای امکان‌پذیر و ضروری خواهد بود. از زمانی که موج‌های جهانی‌شدن گسترش یافت، زمینه تبدیل بازار منطقه‌ای به «بازار جهانی»^۳ به وجود آمد. این امر از طریق پیوند و ادغام چندین شکل تعامل تجاری، مالی، بانکی و بازارهای بورس حاصل می‌شود.^(۳۱)

1. Inter-Regional
2. Regional Market
3. Global Market

از آنجا که اقتصاد کشورهای شرق گسترش قابل توجهی پیدا کرده، زمینه برای پیوند بازارهای این منطقه با مناطق دیگر به وجود آمده است. این فرایند را باید انعکاس تعامل نهادها، بازیگران و بازارهای اقتصادی در سومین دوره جابه‌جایی قدرت در عصر مدرن دانست. فرید ذکریا چنین پدیده‌ای را «خیزش دیگران»^۱ نامیده است. در شرایطی که کشورهای آسیایی بتوانند بازارهای قدرتمندی به وجود آورند، جلوه‌هایی از مناطق اقتصادی به وجود می‌آید که می‌توان آنها را «بازارهای در حال ظهور»^۲ دانست. ذکریا معتقد است:

«طی چند دهه گذشته، اقتصاد کشورها در سرتاسر جهان رشدی را تجربه کردند که هرگز باورکردنی نبود... این رشد در آسیا، چشمگیرتر بوده است. به همین دلیل است که برخی از تعبیر «خیزش آسیا» استفاده می‌کنند... نگاهی به اطراف بیندازید. بزرگ‌ترین بنای جهان اکنون در تایوان قرار دارد... بزرگ‌ترین شرکت عرضه‌شده در بورس جهان، چینی است... بزرگ‌ترین چرخ و فلک در سنگاپور قرار دارد... رشد چین به تنهایی، بیش از ۴۰۰ میلیون نفر را از ورطه فقر خارج ساخته است... ما شاهد رشدی جهانی به مفهوم واقعی هستیم... یکی از وجوه این دوران نوین، انتقال قدرت از دولت‌ها به بازیگران دیگر است».^(۳)

شاخص‌های یادشده نشان می‌دهد رشد اقتصادی گسترده و متنوع، زمینه همکاری و مشارکت حوزه‌های اقتصاد منطقه‌ای با یکدیگر را فراهم می‌سازد. از آنجا که آسیای شرقی از جایگاه ویژه‌ای در رشد اقتصاد جهانی برخوردار است، بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که این منطقه، پیوندهای عمیق و متنوع‌تری با سایر حوزه‌های منطقه‌ای پیدا کند. هم‌اکنون نشانه‌های تعامل بین‌منطقه‌ای در روند سیاست‌گذاری منطقه‌ای شرق آسیا مشاهده می‌شود. از جمله نهادهای اقتصادی بین منطقه‌ای می‌توان به اجلاس سران کشورهای آسیا - اروپا^۳ و گردهمایی کشورهای شرق آسیا - امریکای

1. The Rise of Rest
2. Emerging Market
3. Asia-Europe Meeting (ASEM)

لاتین^۱ اشاره داشت. دو مجموعه یادشده نمادهای کنش و همکاری بینامنطقه‌ای محسوب می‌شوند. چنین مجموعه‌هایی در شرایطی شکل می‌گیرند که اولاً رشد اقتصادی و ظرفیت جذب منطقه‌ای در سطح بالایی باشد و ثانیاً زمینه برای ظهور ترتیبات همگرایانه و همیارانه وجود داشته باشد.

ویژگی اصلی ترتیبات، نهادها و مجموعه‌های بینامنطقه‌ای آن است که بازارهای جدیدی شکل می‌گیرد که می‌تواند طیف گسترده‌ای از کشورها را با یکدیگر پیوند داده و یا سرنوشت اقتصادی نسبتاً مشترکی را به وجود آورد. لازم به توضیح است اگر بازارهای منطقه‌ای و اقتصاد فرومنطقه‌ای از ظرفیت و قابلیت لازم برخوردار باشد، در آن شرایط، زمینه تبدیل مجموعه‌های فرومنطقه‌ای به نهادهای بین منطقه‌ای امکان‌پذیر می‌شود. در این صورت، شاهد بازی و نقش‌آفرینی نیروهای متنوع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی هستیم که با یکدیگر تداخل داشته و از مرزبندی‌های جغرافیایی عبور می‌کنند. هریک از مؤلفه‌های یادشده را می‌توان یکی از عوامل تقویت منطقه‌گرایی در سطوح فرومنطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بینامنطقه‌ای دانست.^(۳۳)

۳. کارکرد سیاست‌گذاری انسجام انجمنی در شرق آسیا

سیاست‌گذاری انسجام انجمنی مربوط به کشورهایی است که در فرایند تکثیرگرایی سیاسی و پلورالیسم منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. این امر بر اساس نهادها و فرایندهای اقتصادی - استراتژیک اروپا سازمان‌دهی شده است. بعد از این مرحله زمینه برای تقسیم کار اقتصادی جدید در سطح جهان به وجود آمد. کشورهای شرق آسیا را می‌توان در زمره واحدهایی دانست که توانستند خود را با فرایند جدید اقتصاد بین‌الملل هماهنگ کنند. به این ترتیب، موج دوم انسجام انجمنی در شرق آسیا شکل گرفت. این روند مربوط به دورانی است که نشانه‌های کنش دموکراتیک و چندجانبه‌گرایی سیاسی در شرق آسیا ایجاد شد.

منطقه‌گرایی در شرایطی شکل می‌گیرد که جلوه‌هایی از انسجام بین کشورها و بازیگران درگیر وجود داشته باشد. بدون همبستگی، انسجام و هماهنگی کارکردی

1. East Asia-Latin America Forum (EALAF)

نهادها، امکان شکل‌گیری فرایندهای معطوف به منطقه‌گرایی وجود نخواهد داشت. «انسجام انجمنی» مفهومی ارتباطی است که عمدتاً بیانگر پیوند نهادها، ساخت‌ها و انجمن‌های منطقه‌ای است که میان کارگزاران و بازیگران شکل می‌گیرد. این مفهوم بر اساس نظریات «منطقه‌گرایی جدید»^۱ و رهیافت «برسازی اجتماعی»^۲ تبیین شده و در فرایندهای منطقه‌گرایی مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد.

۱-۳. جامعه‌سازی منطقه‌ای

اجزاء و عناصر اصلی انسجام انجمنی در روند منطقه‌گرایی شرق آسیا مربوط به قالب‌های ادراکی، فرهنگی، تحلیلی و رفتاری گروه‌های اجتماعی است که در قالب نهادهای منطقه‌ای سازمان‌دهی می‌شوند. بر اساس رهیافت‌های ارائه‌شده، منطقه‌گرایی در شرق آسیا نمی‌تواند بدون تقویت پیوندهای انجمنی میان مردم، گروه‌ها، جوامع درون‌منطقه‌ای و همچنین جوامع بین منطقه‌ای پیشرفت مؤثری داشته باشد؛ به همین دلیل است که در انسجام انجمنی، بر ضرورت جامعه‌سازی منطقه‌ای تأکید شده است. جامعه‌سازی منطقه‌ای زمانی شکل می‌گیرد که مؤلفه‌های اجتماعی، زیرساخت‌های اقتصادی و نشانه‌های فرهنگی موجود در حوزه منطقه‌ای بتواند با یکدیگر پیوند یافته و زمینه مبادلات پایدار و بادوام اقتصادی را به وجود آورد.^(۲۴)

تحقق این امر از طریق بارورسازی زمینه‌ها و زیرساخت‌های اجتماعی توسط کارگزاران سیاسی و سیاست‌گذاران اقتصادی انجام می‌گیرد؛ بنابراین مقامات رسمی حکومت‌ها به موازات شرکت‌های چندملیتی، نهادهای اقتصادی و کارگزاران بازارهای منطقه‌ای، باید فرایند همکاری و مشارکت را از طریق ارتقای سطح تعامل بازیگران فراهم سازند. دیپلماسی عمومی^۳ را می‌توان در زمره عواملی دانست که می‌تواند سطح فراگیرتری از تعامل در جهت تثبیت نهادهای اقتصادی منطقه‌ای را فراهم کند. گسترش تعامل منجر به نهادینه شدن همکاری‌های سازمان‌یافته و

1. New Regionalism
2. Social Constructivism
3. Public Diplomacy

قانونمند منطقه‌ای می‌شود.^(۲۵)

انسجام انجمنی در حوزه آسیای شرقی به این دلیل از گسترش بیشتری برخوردار شد که کشورهای منطقه به لحاظ فرهنگی از همبستگی دینی، اجتماعی و تاریخی قابل توجهی برخوردارند. از سوی دیگر در منطقه شرق آسیا جلوه‌هایی از عمل‌گرایی در تعامل با دیگران به چشم می‌خورد. شواهد نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی و اقتصادی کشورهای شرق آسیا معطوف به جلوه‌هایی از همبستگی کارکردی برای نیل به سود و منافع مشترک است. چنین نشانه‌هایی با فرهنگ صنعتی و همچنین فرهنگ همکاری منطقه‌ای هماهنگی و همگونی دارد. شاخص‌های همبستگی فرهنگی - اجتماعی را می‌توان در حوزه‌های مختلفی ملاحظه کرد. به طور مثال، در دوران موجود:

«مقامات رسمی حکومت‌های متفاوت شرق آسیا بسیار منظم‌تر از قبل در محافل منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی حضور و مشارکت دارند. آنان در این محافل، سیاست‌های اقتصادی خود را با یکدیگر هماهنگ می‌سازند. این ملاقات‌ها به ایجاد جوامع و شبکه‌های بین‌حکومتی مؤثر و سازنده در منطقه می‌انجامد؛ از سوی دیگر، گسترش فعالیت شبکه‌های تولید بین‌المللی در چنین محیطی ساده‌تر خواهد بود. این شبکه‌ها توانسته از اوایل دهه ۱۹۸۰ شکل‌های متنوعی از دادوستد منطقه‌ای، بین منطقه‌ای، و فرامنطقه را در شرق آسیا ایجاد کند. این امر حاصل فرهنگ ارتباطات اقتصادی - اجتماعی بوده و منجر به انعطاف‌پذیری شهروندان برای پیدا کردن کار در سطح منطقه‌ای شده است».^(۲۶)

۲-۳. سازمان‌دهی جامعه مدنی منطقه‌ای

به موازات شاخص‌های یادشده در فرهنگ اقتصادی مردم، نهادها و ساخت‌های حکومتی در شرق آسیا، گرایش مشابهی نیز در جامعه مدنی مشاهده می‌شود. سازمان‌های غیرحکومتی از دهه ۱۹۸۰ به بعد، توسعه بیشتری پیدا کرده، شاخص‌های مربوط به کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و در نهایت اینکه تمامی مجموعه‌های یادشده توانسته‌اند پیوندهای انجمنی مستحکم و فراگیری را با یکدیگر در سراسر آسیای شرقی ایجاد کنند. این امر زمینه‌های رشد

اقتصادی، افزایش مهاجرت، جابه‌جایی نیروی کار، سرمایه‌گذاری، مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را در شرق آسیا فراهم کرده است. اگرچه هریک از کشورهای منطقه دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی هستند، اما توانسته‌اند از قابلیت‌های خود برای ارتقای همبستگی منطقه‌ای در سطح گسترده و فراگیر بهره‌مند شوند.^(۳۷)

تفاوت‌های میان‌فردی و همچنین تفاوت‌های میان‌فرهنگی در شرق آسیا بسیار محدود است. آنان آموخته‌اند که از طریق همبستگی، مشارکت، همکاری و همگونی می‌توانند موجودیت خود را تداوم بخشند. از سوی دیگر، در فرایند همکاری اجتماعی و اقتصادی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که به هر میزان همکاری ماهیت گسترده، متنوع و طیفی داشته باشد، سود و منافع مشترک بیشتری را برای آنان ایجاد می‌کند. در روند انسجام انجمنی، مؤلفه‌های تولید فرهنگی به‌ویژه در حوزه کارتون، فیلم، بازیگری، و موسیقی ماهیت یکپارچه و هماهنگ‌تری پیدا کرده است.

در دوران موجود، ژاپنی‌ها تمرکز خود را در تولید کارتون قرار داده‌اند. فیلم‌های کره‌ای نه‌تنها آسیای شرقی بلکه تمامی حوزه‌های جغرافیایی را دربرگرفته است. بسیاری از کانال‌های تلویزیونی ایران و شبکه‌های ماهواره‌ای از فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای استفاده می‌کنند. در این ارتباط می‌توان به «شبکه تلویزیونی فارسی ۱» اشاره داشت. یک‌سوم سریال‌های تلویزیونی این شبکه مربوط به کمپانی‌های تولید فیلم کره‌ای است. اگرچه مجموعه‌های امریکایی در تولید فیلم و سریال‌های کره‌ای مشارکت دارند، اما این امر نقش مجموعه‌های کره‌ای را در تولید فرهنگ عمومی و انعکاس آن در منطقه و بازار جهانی فیلم و فرهنگ ارتقا داده است.

۳-۳. شبکه‌ای شدن همکاری‌های اجتماعی - اقتصادی

تمامی تولیدات فرهنگی یادشده از یک سو بازارهای اقتصاد منطقه‌ای را رونق می‌بخشد، از طرف دیگر زمینه‌های همکاری و مشارکت منطقه‌ای در بازتولید نشانه‌های فرهنگی را ارتقا می‌بخشد. درون‌مایه بسیاری از فیلم‌های کره‌ای، کارتون‌های ژاپنی و سریال‌هایی که تولید می‌شوند با شاخص‌های انسجام انجمنی و همبستگی فرهنگی کشورهای شرق آسیا همگونی داشته، زمینه بازتولید فرهنگ

اقتصادی را به منظور بالا بردن سطح مبادلات کالاهای مختلف در بازار منطقه‌ای، به وجود می‌آورد. تمامی موارد یادشده، احساس مستحکمی از هویت منطقه‌ای را در شرق آسیا به وجود آورده است.^(۲۸)

تمامی نشانه‌ها و شواهد کنش اقتصادی و اجتماعی در آسیای شرقی نشان می‌دهد پیوندها و انسجام انجمنی، از راه‌های مختلف از طریق فرایندهای به‌هم‌مرتبط، اما متنوع شکل گیرد؛ به عبارت دیگر، اساس همبستگی انجمنی در میان مردم، گروه‌ها، نهادها و حوزه‌های متنوع اقتصادی - اجتماعی در شرق آسیا ناشی از شناخت منافع مشترک و متداخل آنان است. موضوعاتی همانند فرهنگ، رسم و رسوم، اعتقادات اجتماعی، ادراکات مذهبی، عقاید زیست‌محیطی، و معیارهای سودمحور در مبادلات اقتصادی، عامل تداوم چنین فرایندی محسوب می‌شوند. این موضوعات حتی به حوزه‌هایی همانند نگرانی‌های زیست‌محیطی منجر شده است.

زمانی که فاجعه سونامی شکل گرفت، همبستگی‌های نهفته در آسیای شرقی خود را منعکس ساخت. تمامی کشورهای منطقه، مأموریت‌های بشردوستانه را در دستورکار خود قرار دادند. این امر نه تنها از سوی نهادهای حکومت بلکه توسط گروه‌های اجتماعی، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب نیز پیگیری شد. وجود چنین ادراکاتی، زمینه سازمان‌دهی نهادهای تجاری در سطح فرومنطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین منطقه‌ای را نیز به وجود می‌آورد. انسجام انجمنی صرفاً مربوط به حوزه تعامل اجتماعی و میان‌فردی نیست؛ بلکه فرهنگ همکاری‌های فراگیر منطقه‌ای را در حوزه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌کند. انعکاس این امر منجر به شکل‌گیری موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد دو جانبه، چندجانبه و منطقه‌ای در بین کشورهای شرق آسیا شده است.^(۲۹)

فرایند انسجام انجمنی در کشورهای شرق آسیا، زمینه نادیده انگاشتن تفاوت‌های ساختاری این کشورها را به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی، جمعیت‌شناسی، ساخت‌های سیاسی و درجه توسعه اقتصادی کاهش داده است؛ از سوی دیگر، حساسیت‌های شدید ملی‌گرایانه‌ای را که در قالب ناسیونالیسم چینی، امپراتوری ژاپنی و ناسیونالیسم کره‌ای وجود دارد، تعدیل کرده است. این

فرایند منجر به کاهش سطح بی‌اعتمادی بین کشورها شده و در نهایت، نقش گروه‌های سازمان‌یافته‌ای را که منجر به شکل‌گیری «جامعه مدنی منطقه‌ای» شده، افزایش می‌دهد.

شاخص‌های انسجام انجمنی با مؤلفه‌هایی همانند «جامعه مدنی منطقه‌ای»^۱ پیوند یافته است؛ به عبارت دیگر، سندیکاها و نهادهای اقتصادی، فعالیت‌های خود را صرفاً در قالب حوزه اقتصاد ملی پیگیری نمی‌کنند؛ بلکه می‌توان فعالیت چنین مجموعه‌هایی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مشاهده کرد. این امر نشان می‌دهد انسجام انجمنی، زمینه شبکه‌سازی را در سطوح مختلف منطقه‌ای، فرومنطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی به وجود می‌آورد. به همین دلیل است که احساس مشارکت اجتماعی - اقتصادی افزایش یافته و جلوه‌هایی از معادله هویتی آسیای شرقی^۲ با قالب‌های پان‌منطقه‌ای^۳ شکل گرفته است.^(۳۰)

تمامی مؤلفه‌های یادشده نشان می‌دهد انسجام انجمنی در شرق آسیا ناشی از پیوند مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. ابزارهای ارتباطی و سرمایه‌گذارای بین‌المللی توانسته‌اند چنین پیوندی را در راستای سازمان‌دهی بازارهای منطقه‌ای و همچنین بازارهای بین‌المللی ارتقا دهند؛ به عبارت دیگر، شرق آسیا توانست از طریق گسترش ساخت‌های ارتباطی و نهادهای اقتصاد منطقه‌ای، همبستگی خود را در سطوح متنوعی حفظ کند. این امر را می‌توان یکی از الگوهای غلبه بر تضادهای منطقه‌ای در عصر گسترش ارتباطات و شبکه‌ای شدن همکاری‌های اقتصادی دانست.

نتیجه‌گیری

مدل انسجام انجمنی در سیاست‌گذاری منطقه‌ای مربوط به کشورهای شرق آسیاست. این حوزه جغرافیایی شاهد تحولات اقتصادی گسترده، فراگیر و متنوع بوده و در نهایت نشانه‌هایی از ظهور هویت جدید منطقه‌ای را شکل داده است. مطالعه فرایندهای تاریخی در مناطقی همانند اروپا، شرق آسیا و غرب آسیا نشان

-
1. Regional Civil Society
 2. East Asian
 3. Pan-Regional

می‌دهد همواره جلوه‌ها و نشانه‌هایی از تعارض و شکاف سیاسی - اقتصادی منجر به تغییر در ذات و مبانی رفتاری کشورهای منطقه‌ای شده است. این امر را می‌توان عامل مؤثر، مشهود و سازنده‌ای در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای از طریق خلق هویت‌های جدیدی دانست که بر اساس ارتقای سودمندی اقتصادی از طریق تولید و مبادله حاصل می‌شود.

کشورهای شرق آسیا برای اینکه بتوانند به چنین اهدافی دست یابند، منطقه‌گرایی را در دستورکار خود قرار داده‌اند. منطقه‌گرایی آسیا دارای نشانه‌های کاملاً متفاوتی از منطقه‌گرایی کارکردی - نهادی اروپاست. زیرساخت اصلی منطقه‌گرایی در شرق آسیا را می‌توان در سازمان‌دهی مدل «انسجام انجمنی» دانست. انسجام انجمنی ترکیبی از «انسجام سازمانی» و همچنین «انسجام همگرایانه» بوده و بر اساس شاخص‌های سازه‌نگاری شکل گرفته و تکامل یافته است.

شاخص‌های منطقه‌گرایی شرق آسیا بر اساس مدل انسجام انجمنی را می‌توان ترکیبی از انسجام سازمانی و همگرایانه در محیط منطقه‌ای دانست. طبعاً نیروها و موج‌های پویای اقتصاد بین‌الملل بر این فرایند تأثیرگذار بوده و اقتصاد جهانی را با موج‌های اقتصاد منطقه‌ای در شرق آسیا پیوند داده‌اند. به این ترتیب می‌توان فرایندهای معطوف به سیاست‌گذاری منطقه‌ای در شرق آسیا را بر اساس مدل انسجام انجمنی، در روند ذیل مورد توجه قرار داد:

۱. در انسجام انجمنی، گروه‌های اجتماعی از نقش محوری برخوردارند. آنان حامل فرهنگ، تاریخ و گذشته سیاسی - اجتماعی خود بوده و بر اساس چنین پیشینه‌ای درصدد برمی‌آیند تا شکل جدیدی از هویت ملی و منطقه‌ای را بازسازی کنند؛

۲. نظام‌های سیاسی از اراده لازم برای هدایت و سازمان‌دهی نیروهای اقتصادی برخوردار بوده و به این ترتیب فرایندی را شکل می‌دهند که زمینه تعامل مجموعه‌های دولتی با نیروهای بخش خصوصی را فراهم سازد. این امر انعکاس فرایند دولت‌مداری در انسجام منطقه‌ای است؛

۳. علاوه بر دولت و فرایندهای معطوف به تصمیمات حکومتی کشورهای منطقه، نیروهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نهادهای بین‌المللی و شبکه‌های

اقتصادی در سطح منطقه و اقتصاد بین‌الملل نقش‌آفرین بوده و از این طریق مبادرت به سازمان‌دهی کلانشهرهای اقتصادی و تجاری می‌نمایند؛

۴. همگرایی منطقه‌ای دارای نیروهای سازمان‌دهنده و متحدکننده است. تکنوکرات‌ها، بوروکرات‌ها و مجموعه‌هایی را که نقش مؤثری در تولید صنعتی و اقتصادی ایفا می‌کنند، می‌توان در زمره این نیروها دانست. مجموعه‌های صنعتی، تکنولوژیک، مالی و تجاری بین‌المللی از طریق سازمان‌دهی شبکه‌های مبادله، روند همگرایی منطقه‌ای در شرق آسیا را آسان‌تر نموده‌اند؛

۵. فرایندهای منطقه‌گرایی در شرق آسیا بر اساس شناخت منافع مشترک بازیگران منطقه‌ای، تشکیل جامعه منطقه‌ای و هویت نوظهوری است که مبادلات اقتصادی، فنی و مدنی را ارتقا می‌دهد. سازمان‌های نهادمند اقتصادی که فعالیت‌های خود را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به انجام می‌رسانند، در تکامل منطقه‌گرایی نقش‌آفرین بوده‌اند؛

۶. شاخص‌های اصلی روند همگرایی منطقه‌ای در شرق آسیا را می‌توان در توسعه سازمان‌ها و نهادهایی دانست که در شکل‌گیری و تکامل شبکه‌های تولید بین‌الملل نقش‌آفرین بوده، اقتصاد ملی را به حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی تسری داده‌اند. نهادهای مختلف اقتصادی و قراردادهای متنوع بین‌دولتی به موازات ضرورت‌های اقتصاد جهانی از فعالیت سازمان‌های منطقه‌ای که حامی و حامل منطقه‌گرایی هستند، حمایت به عمل آورده‌اند؛

۷. سازمان‌دهی اجلاس شرق آسیا در سال ۲۰۰۵ با هدف ایجاد انسجام سازمانی برای دولت‌های شرق آسیا انجام گرفت. این مجموعه توانسته شکل‌های دیگری از انسجام نهادی، قانونی و هویتی را به وجود آورد. چنین فرایندی نشان می‌دهد منطقه‌گرایی بدون نقش‌آفرینی نیروهای فروملی، فرامنطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بینامنطقه‌ای تداوم نمی‌یابد؛

۸. اگر جدول شماره ۱ و همچنین جدول شماره ۲ با یکدیگر تلاقی پیدا کنند، در آن شرایط مشخص می‌شود که چگونه زمینه برای شکل‌گیری «شهرهای جهانی» و «کلان‌شهرهای بین‌المللی» به وجود می‌آید. این روند نشان می‌دهد انسجام انجمنی در آسیای شرقی به عنوان انعکاس مدل اقتصادی اروپا محسوب شده که از

سال‌های دهه ۱۹۵۰ به گونه سازمان‌یافته تقویت شده است. در اروپا جلوه‌هایی از انسجام نهادی به وجود آمد. این روند در آسیای شرقی به انسجام انجمنی منجر شد. در نهایت می‌توان کلان‌شهرهای اقتصادی را حاصل تعامل بین واحدهای بین‌منطقه‌ای دانست. در این فرایند، شاهد تبدیل شهرهای منطقه‌ای به شهرهای جهانی هستیم. *



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. حمیرا مشیرزاده، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، (تهران: سمت، ۱۳۸۴).
۲. توماس کریستیانس، «وحدت اروپایی و منطقه‌ای»، مندرج در جان بیلیس، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، جلد دوم، مترجم: ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، (تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۳).
۳. امانوئل کاستلز، *عصر اطلاعات: قدرت هویت*، مترجم: حسن چاووشیان، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰).
۴. هاجون چانگ، *دولت توسعه‌گرا*، مترجم: آرشد اسلامی و میثم قاسم‌نژاد، (تهران: انتشارات مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه شریف، ۱۳۸۸).
۵. فرید زکریا، *جهان پسامریکایی*، مترجم: احمد عزیزی، (تهران: هرمس، ۱۳۸۸).
۶. جوزف استیگلیتز، *جهانی‌سازی و پیامدهای آن*، مترجم: حسن گلریز، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۳).
۷. باری بوزان، *اولی و یوور مناطق و قدرت‌ها*، مترجم: رحمن قهرمانپور، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸).
۸. جوزف نای، *قدرت نرم*، مترجم: محمد ذوالفقاری و محسن روحانی، (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷).
۹. جیمز گودبای، *تعارض‌های منطقه‌ای*، مترجم: محمدرضا سعیدآبادی، (تهران: مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲).
10. Aggarwal, V. and Urata, S. (eds), *Bilateral Trade Agreements in the Asia- Pacific*, (London: Routledge, 2005).
11. Ahn, C. and Others, "Is East Asia fit for an optimum Currency Area", *Developing Economies*, Vol. 44, No. 3, 2006.
12. Ariff, M., *The Pacific Economy: Growth and External Stability*, (Sydney, Allen and Unwyn, 1991).
13. Arndt, S. W., "Production networks in an economically Integrated Region", *ASEAN*

Economic Bulletin, Vol. 18, No. 1, 2001.

14. Chase- Dunn, C., *Global Formation: Structures of the World Economy*, (Oxford: Blackwell, 1989).

15. Curely, J., *The International Political Economy of ASEAN Economic Integration*, (London: Curzon Press, 2007).

16. Fallows, James, "China Makes, The World Takes", *Atlantic Monthly*, July/Aug 2007.

17. Ikenberry, John, "The Rise of China and the Future of the West", *Foreign Affairs*, Vol. 87, No. 1, 2008.

18. Katzenstein, P. J., *Network Power: Japan and Asia*, (Ithaca, NY: Cornell University Press, 1997).

19. McNicall, G., *Demographic Future of East Asian regional Integration*, (Ithaca, NY: Cornell University Press, 2005).

20. Pei, Minxin, *China's Trapped Transition: The Limits of Developmental Autocracy*, (Cambridge: Harvard University Press, 2006).

21. Pempel, T. J., *Re- mapping East Asia: The Construction of A Region*, (Ithaca, NY: Cornell University Press, 2005).

22. Rarenhill, J., "The New Bilateralism in the Asia- Pacific", *Third World Quarterly*, Vol. 24, No. 3, 2003.

23. Saxsonhouse, Gary, Op. cit.

24. Chase- Dunn, Op. cit., p. 135.

26. Katzenstein, Op. cit., p. 326.

27. Curely, J., Op. cit.

28. Pempel, Op. cit., p. 90.

29. McNicall, Op. cit., p. 13.

30. Ahn, C. and Others, Op. cit., p. 13.